

## انگیزه‌ی حمله آمریکا به عراق

تهیه شده توسط گروه پویا - بلژیک

گرچه ایناسیو رامونه سردبیر ماهنامه‌ی لوموند دیپلوماتیک در سرمقاله‌ی ماه مارس ۲۰۰۳ آن نشریه دست کم سه انگیزه‌ی مهم آمریکا (۱- ممانعت از هرگونه پیوند میان «دولت‌های ولگرد» و «تروریسم بین‌المللی» پس از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ۲- کنترل خلیج فارس و منابع سوختی آن، ۳- تحکیم سلطه‌ی آمریکا بر جهان) را برای حمله به عراق برشمرده است (۱) به نظر ما، هدف اصلی این حمله در وهله‌ی نخست اقتصادی و سپس کنترل خلیج فارس و منابع سوختی آن است. هدف‌های برشمرده‌ی دیگر در مرحله‌های بعدی اهمیت قرار دارند. برای این‌که موارد ذکر شده را بهتر درک کنیم با ارایه ۷ پرسش و پاسخ به آن‌ها درباره‌ی جنگ ۱۹۹۱ آمریکا در خلیج فارس و یک نتیجه‌گیری کلی، مساله را بررسی می‌کنیم.

۱- هزینه‌ی جنگ ۱۹۹۱ در خلیج فارس چه مقدار بوده است؟

\* ۴۰ میلیارد دلار

۲- چه کسی این هزینه را پرداخت کرده است؟

\* در وهله‌ی نخست می‌توان تصور کرد که این مبلغ به‌تمامی توسط ایالات متحد آمریکا پرداخت شده است. اما در واقع از این ۴۰ میلیارد دلار ۲۵ درصد آن یعنی ۱۰ میلیارد دلار توسط ایالات متحد آمریکا و باقی آن یعنی ۳۰ میلیارد دلار توسط کشورهای عربی، به‌ویژه کویت و عربستان پرداخت شده است.

۳- این پول از کجا آمده است؟

\* پیش از جنگ، بهای هر بشکه نفت خام به‌تقریب برابر با ۱۵ دلار بود. با آغاز جنگ بهای آن تا ۴۲ دلار افزایش یافت. این افزایش بها سودی به‌همراه آورد که می‌توان آن را به ۶۰ میلیارد دلار تخمین زد.

۴- این افزایش سود به جیب چه کسی رفته است؟

\* در کشورهای عربی قاعده‌ی ۵۰-۵۰ برقرار است: ۵۰ درصد به دولت‌های محلی و ۵۰



درصد دیگر به شرکت‌های بزرگ نفتی که چاه‌های نفت را کنترل می‌کنند، پرداخت می‌شود. به عبارت دیگر ۳۰ میلیارد به جیب دولت‌های کویت و عربستان و ۳۰ میلیارد دلار دیگر به کیسه‌ی شرکت‌های بزرگ نفتی سرازیر شده است.

۵- این شرکت‌های نفتی به چه کسی تعلق دارند؟

\* در خاورمیانه، استخراج و فروش نفت در اختیار هفت خواهران (شل، تام اویل، اسو...) قرار دارد که همه آمریکایی هستند و ۵ شرکت از این هفت شرکت بزرگ نفتی به دولت آمریکا تعلق دارند. به عبارت دیگر، از آن ۳۰ میلیارد دلار سهم شرکت‌های نفتی، ۲۱ میلیارد دلار به دولت آمریکا و ۹ میلیارد دلار به شرکت‌های خصوصی آمریکا تعلق گرفته است.

به کمک این جدول می‌توان تصویر بهتری از مطالب ارایه داد:

سود (به میلیارد دلار)	سود ناشی از افزایش بهای نفت (به میلیارد دلار)	هزینه‌های جنگ (به میلیارد دلار)	کشورهای عربی
۰	۳۰	۳۰	کشورهای عربی
۱۱	۲۱	۱۰	دولت ایالات متحده آمریکا
۹	۹	۰	شرکت‌های خصوصی آمریکا

از این جدول می‌توان نتیجه گرفت که دولت آمریکا و شرکت‌های خصوصی این کشور از جنگ ۲۰ میلیارد دلار سود به چنگ آورده‌اند. این‌گونه، آمریکاییان تنها می‌خواستند پول به جیب بزنند. امری که با به اصطلاح «آزادسازی» کویت مغایر است.

۶- چه کسی متقبل هزینه‌های جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس شد؟

\* کسانی که از نفت و فرآورده‌های جنبی آن استفاده‌ی روزمره می‌کنند، یعنی ما همگی. به عبارت دیگر از سود ۶۰ میلیارد دلاری ناشی از افزایش بهای نفت، آمریکا ۱۱ میلیارد دلار به گونه‌ی مستقیم و ۴۹ میلیارد دلار به گونه‌ای غیرمستقیم به دست آورده است.

۷- چهل میلیارد دلار هزینه‌های جنگ به کجا رفته است؟

\* به صنایع نظامی که برحسب اتفاق، جملگی آمریکایی هستند. می‌توان نتیجه گرفت که جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس تنها برای انگیزه‌های اقتصادی صورت گرفته است و نه در جهت «بشر دوستانه» یا «دفاع از آزادی» یا واژه‌های دیگری مانند این.

به کمک این مطالب، به راحتی می‌توان انگیزه‌های مداخله در افغانستان یا جنگ کنونی در



عراق را درک کرد. هدف اصلی جنگ در افغانستان، روی کار آوردن حکومتی دست‌نشانده‌ی آمریکا بود که بتواند تسهیلات لازم را برای ساخت لوله‌ی بزرگ نفتی آمریکایی به طول ۲۵۰۰ کیلومتر فراهم آورد تا نفت شمال دریای خزر را به اقیانوس هند برساند. این لوله‌ی بزرگ نفتی که دارای اهمیت استراتژیک فوق‌العاده زیادی در سیاست‌های آمریکا است، تنها می‌توانست توسط لوله‌ی بزرگ نفتی دیگری به طول ۵۵۰۰ کیلومتر از طریق ترکیه به دریای سیاه جای‌گزین شود که در آن صورت به علت عبور از کشورهای مختلف و حق پرداخت مالیاتی لازم بسیار گران‌تر تمام می‌شد.

تخریب افغانستان، کشوری که در اثر ۳۰ سال جنگ داخلی و خارجی تضعیف شده بسیار آسان است و آن را تحت سلطه‌ی خویش درآوردن نیز آسان‌تر. بنابراین، ساخت و اداره‌ی این لوله‌ی بزرگ نفتی در افغانستان که دارای طولی بسیار کم‌تر از لوله‌ی مشابه آن است به راحتی صورت می‌پذیرد.

برای درک انگیزه‌ی حمله‌ی دوباره‌ی آمریکا به عراق کافی است بدانیم روابط ایالات متحد آمریکا با نخستین و مهم‌ترین تامین‌کننده‌ی نفت خود در خاورمیانه یعنی عربستان سعودی روبه‌سردی می‌گراید. بازگشت این روابط به حالت پیش از رویداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ غیرقابل تصور است. زیرا از سوی عربستان سعودی کشوری است که بیش از سایر کشورها در مساله‌ی تروریسم مربوط به بن‌لادن دست داشته است و از سوی دیگر، افکار عمومی دنیا این کشور را به علت عدم رعایت حقوق ابتدایی بشر به گونه‌ای فزاینده محکوم می‌کنند. بنابراین برای دولت بوش اولویتی در هدف‌هایش وجود دارد و آن نیز جست‌وجوی کشور تامین‌کننده‌ی نفت است که بتواند جای‌گزین عربستان سعودی شود.

آسان‌ترین وسیله برای دست‌یابی به این هدف، جنگ با عراق و گذاشتن رژیم دست‌نشانده در این کشور است، رژیمی که تحت نظارت آمریکا قرار گیرد.

پرسش که بلافاصله مطرح می‌شود این است، چرا کشور عراق؟

پاسخ به این پرسش را می‌توان به این‌گونه خلاصه کرد:

\* عراق کشوری است که به علت تحریم‌های بین‌المللی (که هر سال موجب مرگ بیش از ۳۰۰ هزار کودک می‌شود)، ضعیف شده است و توان لازم را برای سازمان دادن دفاع مناسب از خود را ندارد.

\* عراق بهانه‌های خوبی را به دست آمریکا داده است و آن نیز وجود سلاح‌های کشتار جمعی در این کشور است. گرچه از سوی با وجود تلاش‌های شدید بازرسان سازمان ملل اثری از این سلاح‌ها پیدا نشد و از دیگر سو، این نوع سلاح‌ها تنها با تکنولوژی فوق‌العاده پیشرفته و



سرمایه‌های هنگفت پدید می‌آید؛ دو عنصری که عراق فاقد آن است، ولی تبلیغات گسترده‌ی امپریالیسم خبری در این باره، استفاده از این سلاح‌ها در جنگ ایران و عراق در حلبچه و دیکتاتوری خون‌آشام صدام می‌تواند جنگ امریکا علیه عراق را برای بخشی از افکار عمومی دنیا که از دلیل‌های واقعی جنگ (انگیزه‌های اقتصادی) بی‌خبرند توجیه کند.

\* به‌علت نبود پشتیبانی یکی از قدرت‌های بزرگ دنیا از عراق، این کشور نمی‌تواند با قاطعیت در برابر این تهاجم وحشیانه مقاومت کند.

مطلب آخر این‌که کشور ونزوئلا که نخستین تامین‌کننده‌ی نفت خام ایالات متحد امریکا است، به‌علت شرایط فاجعه‌بار زندگی مردم این کشور ناشی از آنچه بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و شرکت‌های بزرگ نفتی آمریکایی از پیش تحمیل کرده‌اند، شاهد قیام‌های اجتماعی مداومی بود که سرانجام آن روی کار آمدن هوگو چاوز نماینده‌ی منتخب مردم شد. بنابراین جست‌وجوی کشوری که بتواند جای‌گزین عربستان سعودی و ونزوئلا شود هدف اصلی جرج دبلیو بوش بود.

با هم دست در دست یکدیگر، هم امروز با تمام امکاناتمان رو در روی امپریالیسم قرار گیریم که فردا بسیار دیر خواهد بود.

منابع:

- لوموند دیپلماتیک فارسی، مارس ۲۰۰۳ (<http://ir.mondediplo.com>)

- مدل‌سازی و اداره‌ی منابع طبیعی «انستیتوی پلی تکنیک میلان» ایتالیا

## حاکم دنیا

در بحبوحه‌ی کنفرانس کریمه، چرچیل و روزولت خواب‌هایشان را برای استالین تعریف کردند:

چرچیل: خواب دیدم که حاکم تمام دنیا شدم!

روزولت: من هم خواب دیدم که فرمانروای تمام عالم شدم! راستی مارشال استالین،

شما چه در خواب دیدید؟

استالین آهسته پاسخ داد: و من خواب دیدم که پست آقای روزولت و آقای چرچیل را

تصریب نکردم!